استقلال خپلواکی

حمید انوری چهارشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۲۶

جایزه «چتم هاوس» به زنان افغانستان اهدا شد

این جایزه از طرف"چتم هاوس"، "مؤسسه رویال امور بین المللی بریتانیا" به زنان افغان تقدیم گردید.

قرار راپور بی بی سی، دربین زنان افغان که جهت اهدای این جایزه در "چتم هاوس لندن" حضور داشتند، زن بدنام، مشکوک و بدکارهٔ بنام" فوزیه کوفی"، قاچاقچی شناخته شدهٔ مواد مخدر که باری هم عضو ولسی جرگه در پارلمان بوده و متهم به جنایات جنگی نیز می باشد و بزرگترین قاچاقچی مواد مخدر نیز بود، حضور داشته است.

حال دیده می شود که مقامات انگلیس نیز از جملهٔ بدنام ترین جنایتکاران شناخته شده و به اثبات رسیده، "فوزیه کوفی" قاچاقچی مشهور موادمخدر را دعوت کرده و از او به عنوان"... یکی از مؤثرترین افراد در بهبود روابط بین المللی در سال پیش..." یاد کرده است. ای وای از این تشخیص بجا و این افرادِ بگفتهٔ آنان مؤثر در قضایای افغانستان.

به این گزارش مفصل در مورد فوزیه کوفی، برادران و خواهران و فامیل وی دقت کنید:

{ حجت الله «دروازی»

فوزیه کوفی قاچاقبر و برادران فاسدتر از خودش را بشناسید!

فوزیه کوفی فرزند عبدالرحمن کوفی از ولسوالی کوفآب بدخشان است. اسم فوزیه کوفی اصلا «حوری نقاب» بود و از مریم کوفی، «قندی گل»، اما وقتی به کابل آمدند، نام های عصری‌تر برای خود انتخاب کردند. عبدالرحمن کوفی از وکیلان دوران ظاهرشاه بود که بنابر روایت مردم، مرد دهن پاره و زن بارهٔ وقت خود بود که در بسیاری از قریه های زادگاهش یک زن داشته و عمرش را با جنگ، دعوا و فحاشی با هم نوعان خود سپری کرد.



پدر، برادران و دیگر اعضای خانواده فوزیه کوفی هیچ کدام موضع و جبهه سیاسی مشخص در هیچ یک از حکومت های گذشته نداشته و چه در نظام های گذشته و چه در زمان حاضر یک

مشت افراد ابن الوقت و پله بین بوده اند که با عوض شدن نظام ها اینها نیز جامه عوض کرده اند. ظاهرشاهی بودند، ستمی شدند، بعداً خلقی شدند و وقتی خلقی ها سقوط کردند، مجاهد شدند. حالا همچنان گاه بسوی تنظیم ها می غلتند و گاهی «مدافع حقوق زن» و «دموکرات» می شوند.

فوزیه کوفی نماینده مردم بدخشان نه، بلکه نماینده مافیای مواد مخدر و دشمن درجه یک مردم بدخشان بود که با استفاده از موقف پارلمانی خویش کشتی مافیایی خود را به گردش می آورد. ادعای دفاع از حقوق زن خانم کوفی شبیه ادعای دفاع از اسلام تنظیم های جهادی و ادعای دفاع از حقوق بشر تجاوزکاران غربیست که چیزی جز خیانت، جنایت، پامالی حقوق دیگران، قاچاق مواد مخدر، همدستی با دزدان و رهزنان منطقه ئی و بین المللی معنی و مفهوم دیگری ندارد. بناءً با این اوصاف او هیچ تفاوتی با خاینان حزبی، جمعیتی، خلقی و پرچمی و جنایتکاران دین دار و بی دین، پرپشم و بی پشم و مونث و مذکر سرزمین بخت برگشتهٔ ما ندارد.

بیشترین اعضای خانواده فوزیه کوفی قاچاقبر مواد مخدر، ستمگر و ناقض حقوق بشر اند. آنان با زور پول و اسلحه و به پشتیبانی خواهران شان فوزیه کوفی و مریم کوفی در پارلمان افغانستان، دست به هر پستی و پلیدی می زنند. به استثنی دو مورد گرفتاری و به زندان افتیدن برادرانش در جریان انتقال مواد مخدر که کوشش های فراوان تلفنی فوزیه کوفی بخاطر رهایی آنان موثر واقع نشد، بقیه اوقات فوزیه کوفی و مریم کوفی با وسایط ترانسپورتی و ارتباطات دولتی خود همیشه در کنار آنان بوده و راه را برای قاچاقبری ها و جنایات شان هموار نموده اند. اینان باوجودی که در حضور دیگران از یک دیگر اظهار تنفر می نمایند، ولی تجربه و شواهد نشان می دهد که هر یک بسان حلقه ای از زنجیر مکمل همدیگر اند. یکی در نقش بازوی نظامی و تروریستی، دیگری در نقش وکیل پارلمان، ولی با عین هدف: تحکیم و تقویه بزنس و قدرت خانوادگی کوفی.

انواع بی‌عدالتی ها، ظلم و ستم، قاچاقبری ها، قتل و اختطافات ها، مردم آزاری ها، سلب حق کار از جوانان مستعد و بی واسطه و جابجا نمودن کمپاینران خود به عوض آنان و... توسط خانوادهٔ کوفی سازمان داده می شد که البته قاچاقبران و متخلفان سایر ولایات نیز در کنارشان قرار داشتند. با نیرنگ و حیله پروژه می گیرفتند؛ به نالایقان واسطه می شدند؛ مجرمین جنایی و قاچاقبران مواد مخدر را از زندان ها می رهاندند؛ با تقلب و رشوه و خریدن افراد رای بدست آورده و مخالفان را ترور می کردند؛ در بدل نصب افراد در پست های مهم دولتی پول می ستاندند (پول ستانی فوزیه کوفی از اراکین نظامی امنیتی و سرحدی وقتِ ولسوالی های درواز بدخشان اخیراً افشاء گردید و نام های افراد و مبالغ پول در سایت های

مختلف و صفحات فیسبوک به نشر رسید.)(۱)؛ وغیره. فوزیه کوفی در تمام تقرری های ولایت بدخشان از ملازم مکتب گرفته تا والی بشکل مستقیم و غیرمستقیم دست درازی و مداخله می کرد.

فوزیه کوفی این زن هزارچهره وقتی پشت تریبون رسانه ها حضور می یافت، بنابر اقتضای زمان و خواست بادارانش دموکرات می شد و از خاطرات مبارزات به اصطلاح فیمینستی خود دروغ هایی را سرهم بندی کرده کتاب می نوشت تا مردم غرب را که از اوضاع و احوال افغانستان و خیانت های این زن بی خبر بودند، فریب دهد، اما وقتی فیض آباد می آمد، با تحسین از برهان الدین ربانی زن ستیز و بنیادگرا می پرداخت و در کنار جنرال نذیر محمد که دستش به غضب هزاران جریب زمین و عزت صد ها دختر بدخشی آلوده بود، می نشست و عیاشی می کرد.

مریم کوفی خواهر فوزیه کوفی و وکیل در ولسی جرگۀ وقت، نیز شریک جرم وی بوده به فعالیت های غیرقانونی و مافیایی متهم بود. نور احمد مشهور به مولوی عبدالرب رئیس سابق شورای ولایتی بدخشان (شوهر خواهر فوزیه کوفی) به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۹۳ با ۲۹٤ کیلوگرام تریاک در ولسوالی کشم ولایت بدخشان دستگیر شد.

چنانچه قبلا ذکر شد دو برادر کوفی در جریان قاچاق مواد مخدر دست بسته دستگیر گردیدند. سایر برادرانش مثل عنایت الله کوفی، مجیب الرحمن کوفی و نادرشاه کوفی از مشهورترین سران مافیا در درواز بدخشان بشمار می رفتند.

همانند سران جنایتکارش، رای فوزیه کوفی که بر اساس آن به پارلمان راه یافته بود، پاک و شفاف نه، بلکه نتیجه نیرنگ ها، رشوه ها و حمایت قاچاقچیان مواد مخدر بود. او در واقع یک جنگسالار و هیروئین سالار زن در پارلمان گندیده وقت بود.

حاجی جمعه یکی از قاچاقبران حرفوی و آدمکشان مشهور ولسوالی درایم ولایت بدخشان بود. نام برده مسؤلیت کمپاین دور اول انتخاباتی فوزیه کوفی را به عهده داشت که با تقلب هایش حدود ۱۶۰۰-۱۸۰۰ رای به صندوق فوزیه کوفی ریخت. چندی بعد حاجی جمعه با ۲۰ پاکت هیروئین در پوستۀ تلاشی کندز دستگیر و به کابل منتقل گردید ولی به اثر سعی و کوشش فوزیه کوفی به زودترین فرصت رها شد.

حاجی جمعه از زلمی مجددی یکی دیگر از وکیلان بدخشان که سابقه طولانی دشمنی با قوماندان ملک (قوماندان محلی ولسوالی کران و منجان که معدن لاجورد را زیر کنترول داشت) دستور گرفت تا ملک را نابود نماید. نامبرده در ماه جوزای سال ۱۳۹٤ حینی که دست بر ماشه قوماندان ملک را هدف گرفته بود، از طرف محافظین وی دستگیر و جابجا به قتل می رسد.

منطقه درواز های بدخشان که شامل پنج ولسوالی می شود در امتداد دریای آمو هم سرحد با تاجکستان موقعیت دارند. انتقال و عبور و مرور به مرکز بدخشان از سه ولسوالی این منطقه و کوف آب که نادرشاه برادر فوزیه کوفی در آن حاکم است صورت می گرفت. این پنج ولسوالی که خواهان و کوف آب مهمترین آنها بشمار می روند، دهلیز خلوت خاندان کوفی و شبکه مافیایی آنان بود. سود عظیم قاچاق مواد مخدر، اسلحه، مشروبات الکلی و غیره که در مرزهای این ولسوالی‌ها صورت می گرفت، اکثراً به دامن اینان می ریخت.

پنج ولسوالی نامبرده که به لحاظ صادرات و واردات با روسیه و اروپا از اهمیت فوق العاده برخوردار اند، تحت کنترول تام کوفی ها بود که روابط تنگاتنگ با قاچاقبران تاجک و روس داشتند. این امر موقف فوزیه و برادرانش را نزد افرادی نظیر قسیم فهیم، گل آغا شیرزوی، ظاهر قدیر و سرداران مافیا بشدت تقویت بخشیده و دست باز در تقرری ها، استفاده از هلیکوپترهای دولتی، تاسیسات به نام انجیو و شرکت ساختمانی، بدست آوردن پروژه‌ها و غیره می داد.

حتی از لابلای صحبت ها و چشم دید اهالی این ولسوالی ها به قضایای بی شمار قاچاقبری ها، به زورگیری ها، تهدید کردن ها، بی بند و باری ها، اختطاف ها، کشتن ها و... یک یک خاندان کوفی پی می برید.

ولسوالی های نام برده با بزرگ ترین چراگاه ها، علفچرها و ایلاق های بی طول و عرض، سالانه میزبان هزاران رمه مواشی مردم می باشد.

نادرشاه برادر فوزیه کوفی از هر رمه که به چراگاه هایش می آمد، سالانه ۳۵-۵۰ هزار افغانی می ستاند. رمه داران از ترس مانند یک اصل پذیرفته شده هر ساله به نادرشاه ولسوال کوف آب، که به امر فوزیه کوفی مقرر گردیده بود پول می پرداختند. نادرشاه علاوه بر اخذ این مبالغ، هنگام ورود هر رمه به ساحه علفچرهایش در آغاز سال نقداً ۵ هزار افغانی و دو راس گوسفند نیز اخذ می کرد که با آمدن صدها رمه درآمد آن به مبلغ هنگفتی می رسید.

فوزیه کوفی و خانواده اش در طول چندین دهۀ اخیر برای غصب هر چه بیشتر ساحات علفچرها و حاکم شدن بر امور زندگی مردم این ولسوالی‌ها با قوماندانان و قدرت های کوچک مناطق مختلف این ولسوالی ها همیشه درگیر بوده اند و خون های فراوانی در این درگیری ها به زمین ریخته شده است.

اعتراضات مردم درواز‌های بدخشان علیه خانوادۀ فوزیه کوفی

درواز‌های بدخشان همه ساله شاهد یک یا دو مظاهر علیه برادران فوزیه کوفی بودند، چون این خانواده در همه امور به حق مردم دست درازی و تجاوز می کردند. آنها غیر از اینکه عواید این مناطق را به جیب می زدند، همچنان به عزت مردم تجاوز می کردند و اکثراً غرور آنها را با نیرنگ های مختلف زیرپا می

کردند، مثلاً مجیب الرحمن کوفی (برادر فوزیه) خانمی را اختطاف نموده به منطقه خود برد، اما باوجود شکایتی که صورت گرفت نه ارگان های امنیتی و نه هم ادارۀ ولسوالی به حرف شکایت کنندگان گوش فرا دادند.

ماجرای اختطاف زن متذکره از این قرار بود که فردی بنام نادرشاه خواهانی که قوماندان و سلاح بدست منطقه بود، یکی از دشمنانش را به قتل رسانده بعداً تصمیم می گیرد تا خانم مقتول را با خود ببرد. ولی قبل از اینکه به این عمل شنیع اقدام نماید مجیب الرحمن داخل خانۀ مقتول گردیده و خانم را که شوهرش را نادرشاه خواهانی به قتل رساند بود، با خود می برد.

در دور اول کمپاین انتخاباتی نادرشاه کوفی، شاه درواز را تهدید می نماید تا دست از کاندیداتوری بکشد. شاه درواز از ترس نادرشاه سلاح بدست، دست از کاندیداتوری کشید.

نادرشاه دو پل کانکریتی را که بالای دریای کوف آب اعمار می گردید تا مسیر موتر را به ولسوالی های شکی، نسی، ماه می باز نماید برای مدت سه سال به تعویق انداخت، چون در صورت تکمیل پل، بازار ولسوالی کوف آب از رونق می افتاد و سود های کلانی از چنگش بیرون می شد.

برادران نادرشاه مخفیانه به دفتر یا خانۀ حریفانی که عصیان می کردند و مردم را به مبارزه علیه جنایات اینها دعوت می نمودند، مواد مخدر تعبیه می کردند و بعداً پولیس را برای دستگیری آنها می فرستادند و به این طریق حریفان خود را از سر راه خود دور می ساختند که مردم شاهد این چنین رویداد ها بوده اند. بدون شک مردم در مقابل جنایات کوفی‌ها خاموش ننشسته و گاه گاهی دست به اعتراضات گسترده ای می زدند.

اما به علت دوری و انزوا و مسدود بودن راه های مواصلاتی و از همه مهمتر حکمفرما بودن این خانواده در اکثریت پست های مهم دولتی، معترضان با سانسور شدید و یا حذف کامل اخبار این چنینی مواجه می شدند.

در سال ۲۰۰۹ مردم ولسوالی خواهان علیه ولسوال که برادر دیگر فوزیه کوفی بود، اعتراض کردند و وجود نجس او را از سرنوشت خود دور ساختند. دلیل موفقیت مردم این بود که آنها صدای خویش را از طریق رسانه ها بلند کردند، ولی بعد ها از طرف فوزیه کوفی کوشش صورت گرفت تا از پژواک خروش مردم در رسانۀ ها جلوگیری نماید و اعتراضات آنها را به شکلی از اشکال به هیچ بدل نماید.

نادرشاه بخاطر فرونشاندن و سرکوب صدای حق طلبانۀ اکثریت مردم این ولسوالی ها، با برچسب زدن و رابطه دادن معترضان به تروریست های طالبی و دریافت کمک از نیروهای امنیتی دولتی آنان را سرکوب می نمود.

از سگ جنگی های برادران فوزیه کوفی

مولوی غلام الله یکی از مخالفان نادرشاه بود که با هیچ اقدام نظامی و تهدید آرام نمی گرفت. وی با استفاده از تضاد های فوزیه کوفی با زلمی مجددی (وکیل دیگر بدخشان)، به کمک زلمی مجددی دست به اعتراضات گستردۀ مسلحانه علیه نادرشاه زد. تاجایی که نزدیک بود گلیم ظلم و استبداد خاندان عبدالرحمن کوفی را برچیند، ولی در اثر توطئه ها و دسیسه چینی‌های شیادانۀ فوزیه و برادرانش و ارتباطی که اینان در دولت فاسد کابل داشتند، تاب نیاورد و فراری شد. یکی از توطئه های نادرشاه کوفی علیه او قرار ذیل بود:

نادرشاه کوفی سه باب مکتب در ولسوالی کوف آب را آتش زد و شایعه انداخت که مولوی غلام الله که طالبی و ضد مکتب می باشد این کار را انجام داده است. نادرشاه با این کار خود می خواست تا دولت قضیه حریفان و دشمنان او را جدی گرفته دست به اقدام قانونی و عملی علیه حریفان سیاسی او بزنند. دولت وقت هم به کمک نادرشاه کوفی شتافت و به اثر فشارهای سنگین نظامی که به مولوی غلام‌الله وارد نمود او را وادار به تسلیم نمود.

مولوی غلام الله به فیض‌آباد آمد تا به زندگی نورمال خود ادامه دهد، ولی فیض آباد جای امن برایش نگردید. او بارها مورد آزار و اذیت لومپن های نادرشاه و خواهرش فوزیه کوفی قرار گرفت.



جان آغا یکتن از لومپن های فوزیه کوفی در فیض آباد یکی از شب ها به خانۀ مولوی غلام الله حمله برده او را اختطاف نموده به شکل غیر انسانی مورد شکنجه قرار می دهد که در اثر آن ماه ها را در بستر مریضی سپری نمود. غلام الله از دست جان آغا به ارگانهای امنیتی و قضایی شکایت می کند که در نتیجه این اختطافگر دستگیر گردید، اما بعد از مدت کوتاهی به همکاری فوزیه کوفی از بند رها گردید.

نمونه هایی از دزدی های کوفی

قریۀ مزار کوف آب

فوزیه کمک های عاجلی را که از سفارت ها و موسسات خارجی بنام زلزله زده‌ها، سیلاب زده‌ها، برف کوچ زده ها و... بدست می آورد به آن مناطقی می فرستاد که بیشترین رای را گرفته بود. او با استفاده از فرصت‌هایی چون حوادث طبیعی در بدخشان، هیلکوپترهای دولتی را در خدمت گرفته و با رشوه دادن مثلا کارتن شراب به پیلوت ها از پروژه های شخصی خود در منطقه درواز دیدن می نمود.

اکثر پروژه های ساختمانی پنج ولسوالی درواز بدخشان که توسط انجیوها و شرکت های ساختمانی برادران فوزیه کوفی فند بدست می آوردند، بشکل ناقص و نیمه تمام اجرا می‌کردند تا بعداً با استفاده از افرادی که خود در مقامات گماشته اند آنها را تکمیل و تبلیغ نماید. نمونه هایی از آنها:

مکتب پای مزار کوف آب بدخشان یکی از صدها مکتبی است که شاگردان آن در فضای باز زیر خیمه و آفتاب سوزان و باد و باران درس می خواندند. گفته می شد که روزی فوزیه کوفی با یک زن خارجی سوار بر هلیکوپتر به ساحه این مکتب فرود می آیند. با مشاهده وضعیت اسفبار شاگردان، آن خارجی وعده اعمار یک باب مکتب را به شاگردان و اهالی قریه می دهد.

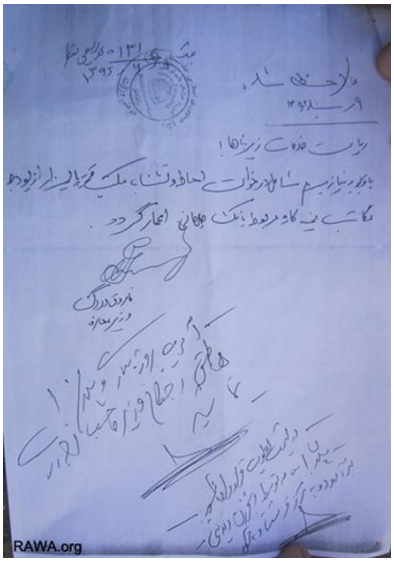
در حدود چهار سال قبل زن خارجی ای که احتمالاً کارمند سفارت ایتالیا بوده است، مبلغی را جهت اعمار یک باب مکتب که حاوی تعمیر هشت صنف پخته، تشناب ها، دیوار احاطه، میز و چوکی، سهولت های آب آشامیدنی و... به فوزیه کوفی می دهد تا از طریق یکی از شرکت های ساختمانی کار آنرا عملاً آغاز نماید. فوزیه کوفی در قدم نخست موارد مهم مانند دیوار احاطه، تشناب و چاه آب را از پروژه حذف و پول آنرا به جیب می زند، ولی به این مقدار هم اکتفا نکرده و با وارد ساختن یک سلسله تغییرات بجای سیخ گول و سمنت و کانکریت از مواد ساختمانی محلی سنگ و ریگ استفاده کرد.

فوزیه کوفی از مجموع پول اخذ کرده از سفارت ایتالیا، حدود یک صد و ده هزار دالر امریکایی را جدا می نماید و با یک نقشهٔ تعمیر سنگی هشت صنفی، بدون در جریان گذاشتن ادارات ذیربط و رعایت اصول تدارکاتی بدست خواهر زاده اش حیات الله می دهد تا کار اعمار پروژه را با استاد کار محلی ای به شکل تیکه قرارداد بدهد. پس از چندی کار توقف می یابد. مردم وقتی دلیل آن را از استاد کار محلی جویا می شوند وی استدلال می کند که فوزیه کوفی ۲۰ هزار دالر قسط اخیر را نپرداخته و من از کار دست کشیده ام.




تعمیر نا تکمیل مکتب پای مزار کوف آب که در بیرون آن شاگردان در فضای باز زیر خیمه و آفتاب سوزان و باد و باران درس می خواندند.



یکی از صنوف مکتب که تمام کارهای بعد از پوشش آن تکمیل نشده، ولی برای کتمان وضعیت واقعی آن میزوچوکی هایی را فقط بخاطر نمایش در آن جابجا کرده اند. شاگردان مکتب به دلیل عدم تکمیلی مکتب هنوز مثل سابق داخل خیمه ها درس میخوانند.

تصاویری از داخل و نمای بیرونی مکتب که نشان میدهد دیوار آن به پایه تکمیل نرسیده و چون ویرانه ای غیر قابل استفاده مانده است.



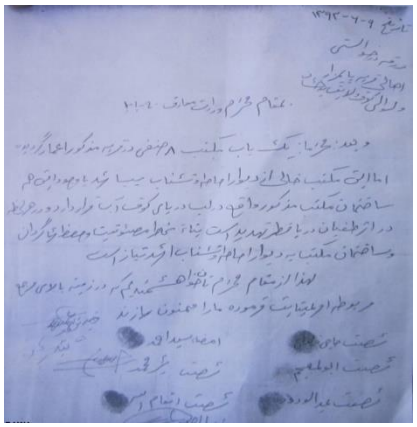
حرامزادگی های فوزیه کوفی با این زد و بند ها خاتمه نمی یابد. فوزیه با استفاده از موقف خود در صدد تکمیلی پروژه از منابع دیگر می برآید.

اسناد فوق درخواستی است که شرکت اعمارکننده مکتب پای مزار به هدایت فوزیه کوفی تهیه نموده و امضاهای مردم محل را در زیر آن گنجانیده تا به ادارات ذیربط نشان دهد که مسئله تکمیل پروژه نه از طرف شرکت قراردادی، بلکه از طرف مردم پیشنهاد شده است. اوراق به کمک ارتباطات فوزیه کوفی در وزارت معارف طی مراحل شده تا مسئله رسیدگی به عریضه مردم وانمود شده و به بشکل «قانونی» بودجه دیگری برای کارهای متباقی پروژه اختصاص یابد. این زن کوشید با جعل کاری و کاغذ بازی های فراوان بالای اصل قضیه خاک پاشیده و آنرا توسط دونر دیگر انجام دهد و در آخر با نمایش تصاویر به دونر اصلی چنین بنمایاند که پروژه موفقانه به اتمام رسیده و به این شکل اخذ فند های دیگر را زمینه سازی نماید.

وزیر معارف وقت فاروق وردک هم بی اعتنا به حقیقت قضیه و اسناد موجود و یا حتی طی مراحل، پیشنهاد فوزیه را پذیرفته و به ادارات ذی صلاح امر داد تا کارهای باقیمانده مکتب را از بودجه پروژهای نیمه کاره بانک جهانی که در سال ۱۳۹۲ پروژه سازی می شد، تکمیل گردد.



فوزیه کوفی در اثر این قضیه و سایر حرف ناشنوی های رئیس معارف عقده مند شده و این زمینه ساز بروز تشنجات بعدی میان هر دو گردید. دقیقاً از آن به بعد فوزیه کوفی مسایل بی ربط را بهانه قرار داده می کوشید تا رئیس معارف را از وظیفه برکنار نماید که البته بحران انتخاباتی باعث شد تا توت به مراد دل فوزیه خانم نپزد.



غصب پول های شهرک «خَرُش» توسط فوزیه و نادرشاه کوفی:

بدخشان ولایت کوهستانی ای است که مردمانش هرازگاهی مورد قهر طبیعت قرار گرفته و زندگی ساده و ابتدایی روستایی شان را از دست می دهند. لغزش قریه ها، بارندگی های مداوم برف و باران و یا زلزله آسیب های جبران ناپذیری به زندگی اهالی وارد می کند. اگر از یک طرف آفات طبیعی مدام بستر ماتم را در زندگی آنان پهن می سازد، از طرف دیگر برای مافیای حاکم در بدخشان که خاندان کوفی بخش مهمی از آن بحساب می آمد پول و شادی می آورد. حادثۀ قریه آب باریک بدخشان نمونۀ خوبی برای صحت این مدعا بشمار می رود، ولی در ذیل نمونۀ دیگری ذکر می شود که خیلی تاسف بار است.

«خُرش» یکی از دهکده های ولسوالی کوف آب بدخشان است. قرار بود در آنجا شهرکی برای بیجاشدگان زلزله اعمار گردد. اتاق های بی در و پلندری را که در تصویر می بینید نمای «شهرک» ای است که پول کامل آن به دسترس فوزیه و برادرش نادرشاه ولسوال کوف آب قرار گرفته بود.

شهرک که برای زلزله زده های قریه خُرش اعمار گردیده است.

دهکده خرش در اوایل حکومت کرزی به اثر زلزله تخریب و هزاران نفر بی خانمان شدند. ریاست ضد حوادث بدخشان بعد از بازدید از این دهکده و اخذ عرایض پی در پی اهالی آن، موضوع را به سایر ارگان‌ها گزارش می دهند تا بالاخره پول گزافی از سفارت های خارجی برای اعمار آن اختصاص یافته و مستقیما بدست فوزیه و نادرشاه قرار می گیرد. آنان مقداری سنگ را توسط خود مردم روی هم قرار دادند

و چندین اتاق آغل مانند اعمار نمودند تا به خارجی ها و «دونرها» نشان داده باشند که کار اعمار شهرک در آینده نزدیک تکمیل می شود. اما به مجرد اخذ مکمل پول کارهای اعمار شهرک را ناتکمیل رها کردند. باوجودی که این خاینان بالغ بر سه صد هزار دالر امریکایی پول شهرک را به جیب زدند، ولی بخاطر توجیه دزدی های خویش افواهاتی براه انداختند که گویا هنوز تمام پول بدست نیامده تا متباقی کار شهرک به پایان رسد.

مردم محل از مبلغ واقعی پول و نیز مساحت و کیفیت ساختمان هایی که برای این شهرک در نظر گرفته شده بود بی خبر بودند.

چندین سال از این حادثه گذشت، ولی کار اعمار شهرک هنوز که هنوز است در همین وضعیت قرار دارد. مردم که شناخت کامل از فامیل مافیایی کوفی دارند، حکم می کنند که اینان پول های تعمیر خانه های شان را دزدیدند. اگر چه بیجاشدگان بارها خواستار رسیدگی قانونی به شکایات خویش شدند، ولی از آنجایی که تمامی قوماندانان امنیه، ولسوالان و سایر مامورین ولسوالی ماه می، ولسوالی شکی، ولسوالی کوف، ولسوالی خواهان، ولسوالی نسی و غیره بواسطه خود فوزیه کوفی تعیین می شوند و روسای ارگان های قضایی در مرکز ولایت نیز به اشاره او حرکت می کنند، هرگز اعتراضات شان به جایی نرسیده و صداهای شان زیر زده شد.

به جیب زدن پول مکتب فرغامبول:

اعمار مکتب فرغامبول که در قریه ای به همین نام در ولسوالی یفتل پایان ولایت بدخشان موقعیت دارد، توسط شرکت ساختمانی انعام الله لطیفی آغاز و بعد از مدت طولانی مورد بهره برداری قرار گرفت.

فوزیه کوفی فند این پروژه (۱۲۹۰۰۰ یورو) را از طریق انجیوی « نهاد حفاظت و مصؤنیت اجتماعی» از سفارت ایتالیا اخذ و با یک سلسله تغییرات در کیفیت پروژه و کم کاری در اصل قرارداد (استفاده از بلوک سمنتی با کیفیت پائین بجای خشت پخته، کم کردن مساحت مکتب به اندازۀ سه اتاق، کاهش دیوار احاطه ٤٠٠ متره به ٢٠٠ متره، پائین آوردن کیفیت کار در تشناب ها و میز و چوکی و...)، به تاریخ ١٥ سپتامبر ٢٠١٤ مبلغ ٩٧٠٠٠ هزار دالر امریکایی را به شرکت انعام الله لطیفی سپرد. سنگ تهداب پروژه توسط خود فوزیه کوفی با حضور سایر «مقامات» ولایت بدخشان گذاشته شد.

پس از چندی مکتب عملاً با دیوار احاطه نیمه کاره رها شد. با تغییرات قابل ملاحظه برخلاف نقشه به نفع شرکت قراردادی به وجود آمده است.

فوزیه کوفی با اینگونه خاک به چشم مردم زدن های خود میخواست هم «لعل» پول و هم دل مردم را بدست آورد. وی پول ناشی از تغییرات در این پروژه را که بیشتر از ۵۰ هزار دالر امریکایی می شد به جیب می زند و با فریبکاری به اهالی مظلوم می نمایاند که در پی خدمت مخلصانه برایشان بوده است.
داستان های خیانت ها و پلیدی های فوزیه کوفی و خانواده مافیایی او طولانی تر از آنست که در یک گزارش بتوان به شرح تمامی آنها پرداخت. امیدوارم مردم و بخصوص خارجی‌ها او را از روی مصاحبه های فریبنده و حرفهای عوامفریبانه اش نه، بلکه از روی اعمال ننگین اش محک زنند و بدانند که او هیچ فرق ماهوی با جنگسالاران جانی نداشته مسبب تباهی مردم بدخشان است و بس.}

---

(1)اسنادی که در صفحات فیسبوک به نشر رسید گواه آنست که فوزیه کوفی در طول دوازده سال در بدل گماردن افراد به پست هایی در ولسوالی خواهان و کوف آب ولایت بدخشان پول های کلانی به چنگ آورده است. او در بدل نصب افراد به پست های قومندانی امنیه، آمر جنایی و غیره مبالغ هنگفتی پول از این افراد بصورت سالانه به دست می‌آورد و اگر این پول قطع می گردید، برای آنان بهانه ای تراشید آنان را از وظیفه منفک می کرد.